

بررسی معیارهای محوطه‌سازی بیرونی در طراحی و ساخت اماکن ورزشی شهری

سیدمحمدحسین رضوی^۱، عادلۀ عظیمی‌دلارستاقی^{۲*}

^۱ دانشیار دانشگاه مازندران، ^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه شمال

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی معیارهای مهم محوطه‌سازی بیرونی در طراحی و ساخت اماکن و فضاهای ورزشی شهری، از دیدگاه استادان شهرسازی (گرایش طراحی شهری) سراسر کشور است. **روش‌شناسی:** روش پژوهش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی و از نوع زمینه‌یابی است که جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت میدانی بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور در رشته شهرسازی (گرایش طراحی شهری) با مرتبه علمی استادیار و بالاتر به تعداد ۳۷ نفر بود که از این میان بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان مجموعاً ۳۳ استاد به صورت تصادفی به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که پس از تأیید روایی، پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۳٪، به دست آمد و با توزیع آن در میان نمونه‌های پژوهش به صورت ارسال به پست الکترونیکی استادان، داده‌ها جمع‌آوری شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی مانند فراوانی، حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف استاندارد و در آمار استنباطی از آزمون‌های کلموگراف اسمیرنوف و t تک نمونه ای استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که از دیدگاه استادان شهرسازی (گرایش طراحی شهری) سراسر کشور، تمامی شاخص‌های محوطه‌سازی بیرونی مورد بررسی در این پژوهش که شامل ابعاد کالبدی، اجتماعی، فعالیتی و معنایی است، در محوطه‌سازی بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی شهری مهم و تأثیر گذارند.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه دیدگاه‌های ارائه شده در زمینه این موضوع در بسیاری از موارد واجد جنبه‌هایی مشترک بوده‌اند، اما با تثبیت اهمیت نقش‌های کالبدی، اجتماعی، فعالیتی و معنایی محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی (در قالب یک نوع فضای عمومی)، تأکید بسیار بر رویکردهای تأمین امنیت، ایجاد فضاهای مناسب و کافی، امکان انجام فعالیت‌های متنوع و ایجاد سرزندگی و مفرح بودن در این گونه فضاهاست.

واژه‌های کلیدی: محوطه‌سازی بیرونی، فضاهای عمومی، طراحی شهری، اماکن و فضاهای ورزشی.

* E-mail: azimi.adeleh@yahoo.com

مقدمه

فضاهای عمومی در شهرها، فضاهایی انسان‌ساخت و چند عملکردی‌اند که فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرند. اهمیت فضاهای عمومی به‌طور گسترده، عمدتاً از طریق چشم‌اندازهای بهبود کیفیت زندگی، محیط زیست پایدار، زندگی جمعی راحت، تقویت سیمای شهر و سرزندگی شهری ادراک می‌شوند (لاریس و مک دونالد^۱، ۱۳۸۵). از تعاریف فضای عمومی چنین برداشت می‌شود که فضای عمومی بر دسترسی بدون محدودیت به فضا یا فعالیت‌های متنوع تأکید دارد که در نتیجه این دسترسی محدود نشده، تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین فضای عمومی را می‌توان فضایی تعریف کرد که مردم بدون محدودیت به آن دسترسی دارند و فعالیت‌هایی در آن صورت می‌گیرد که یک سازمان عمومی آن را کنترل می‌کند و فضایی است که در جهت منافع عموم تأمین و اداره می‌شود (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶). فضاهای عمومی شامل الگوهای مختلف فضاهای تجمع در شهرها همچون ورودی‌ها، میادین، خیابان‌ها، پارک‌ها، زمین‌های بازی، محوطه‌های بیرونی ساختمان‌های بزرگ مانند اماکن و فضاهای ورزشی و سایر فرم‌های فضاهای تجمع هستند که همه در یک ویژگی اشتراک دارند و آن هم حضور و تعاملات اجتماعی افراد در آن است و از نظر فعالیتی می‌توانند برای تأمین یک فعالیت ویژه طراحی و برنامه‌ریزی شوند و یا آنکه دارای تنوع کالبدی و فعالیتی و در نتیجه اجتماع پذیری بیشتر باشند (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۸).

امروزه فضاهای عمومی شهری، ضرورتی اساسی در برنامه‌های توسعه شهری یافته‌اند که این مسئله حکایت از نقش این فضاها در تقویت وجهه فرهنگی- اجتماعی شهرها دارد. یکی از این نوع فضاهای عمومی، محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی شهری است. به عبارتی دیگر، این‌گونه فضاها جزئی از یک شهر هستند که به عنوان عرصه عمومی، تجلی‌گاه فعالیت‌های مختلف هستند. در این میان شهروندان به عنوان فعالان عرصه عمومی و کاربران فضاهای شهری در این بستر به تعامل و کنش مشغول‌اند. بنابراین طبیعی است رضایتمندی آنان از این فضاها بر تعاملات اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود. رضایت شهروندان از فضاهای شهری، به‌ویژه برای برخی از انواع فعالیت‌ها، مانند فعالیت‌های ورزشی و تفریحی، به درجه برداشت و ادراک نیازهای فرد استفاده‌کننده بستگی دارد. یک فضای عمومی باید پذیرای کلیه اقشار، گروه‌های سنی و جنسی و اقلیت‌های اجتماعی، در کلیه ساعات شبانه‌روز و در کمال امنیت باشد و هم‌زمان تسهیل دسترسی و آمد و شد را نیز فراهم کند (اولریک^۲، ۱۳۶۴).

-
1. Larice & Macdonald
 2. Ulrich

امروزه، ابعاد انسانی فضاهای عمومی، بیش از هر زمان دیگر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته و مردم نیز مشتاقانه به حضور و مشارکت در چنین فضاهایی پاسخ مثبت داده‌اند. آنچه این فضاها را به لحاظ اجتماعی فعال می‌کند، در درجه اول موارد کالبدی است که بتواند زمینه‌ساز ورود و توقف افراد درون فضا باشد. اما آنچه بیش از ابعاد کالبدی در حضور و تعامل اجتماعی افراد مؤثر است، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای حس تعلق به مکان نیز باشد. بنابراین خلق یک فضای عمومی موفق، بهره‌گیری از توان‌های اجتماعی آن و ارتقای فرصت‌های مشارکت در حیات جمعی، مستلزم شناخت فضا و ابعاد مختلف آن و نگاهی چندجانبه از سوی طراحان و برنامه‌ریزان شهری در این زمینه است (ناسار، ۱۳۷۲). یکی از خصوصیات منفی زندگی امروز، کاهش فعالیت‌های جسمانی و تعاملات اجتماعی در بین افراد جامعه و عدم حضور فعال آن‌ها در عرصه‌های ورزشی و فرهنگی- اجتماعی عمومی است. از جمله دلایل این مسئله طراحی نامناسب این‌گونه فضاهاست که سبب می‌شود، افراد تمایل چندانی برای حضور در این محیط‌ها نداشته باشند (اسدی ملک‌جهان، ۱۳۸۵). با توجه به اینکه هر فعالیت به فضایی با ویژگی خاص یا قرارگاه رفتاری مناسب نیاز دارد، در صورت نبود فضای مناسب، کیفیت بروز نوع فعالیت‌ها دچار مشکل می‌شود و در نهایت موجودیت شهر از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و هویتی با اختلال روبه‌رو خواهد شد. از این رو بررسی نیازهای انسانی، تأمین و ارتقای کیفی فضاهای مورد نیاز برای فعالیت‌های مختلف شهروندان مسئله‌ای مهم برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری است (فلاح و کلامی، ۱۳۸۷). در همین زمینه بل و همکاران (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان "فضاهای عمومی و سبز: نقشه‌ها و اولویت‌ها" فضاهایی همچون پارک‌ها و باغ‌ها، فضاهای طبیعی و نیمه‌طبیعی، محوطه‌سازی‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی، فضاهای باز برای بازی کودکان و نوجوانان را به عنوان نوعی فضای عمومی و سبز، برای انجام فعالیت‌های مختلف تفریحی و ورزشی معرفی کرده‌اند، که امکانات مربوط به این‌گونه فضاها و به‌ویژه محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی می‌تواند شامل: زمین مشترک برای تفریح و ورزش، فضاهای سبز و پارک‌ها، زمین‌های ورزشی در محوطه باز و عمومی، مناطق بازی مخصوص کودکان و بسیاری امکانات تفریحی و ورزشی دیگر باشد. این مناطق و فضاها نقش بسیار مهمی در ساخت یک شهر سالم و جذاب همراه با محیطی مطلوب برای زندگی ایفا می‌کنند (گزارش پارک ملی دارتمور، ۱۳۸۹). بسیاری از اماکن تفریحی- ورزشی عمومی در ایران بدون در نظر گرفتن نیازهای روانی و رفتاری کاربران ساخته شده‌اند. در حالی که توجه به این نیازها در افزایش تعداد کاربران بسیار مؤثر است. افراد معمولاً برای فرار از فشارهای زندگی، دستیابی به آرامش، تماشای طبیعت، فعالیت‌های ورزشی و تفریحی و ملاقات با دوستان به این‌گونه مکان‌ها روی می‌آورند، اگرچه برخی از عوامل نامطلوب مانند کمبود فضای سبز

و سایه درختان، نبود مبلمان مناسب ورزشی و غیرورزشی و تراکم و دسترسی نامناسب، روند استفاده از این گونه فضاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب محدود شدن تعداد مراجعه‌کنندگان به این گونه فضاها می‌شود (قربانی و همکاران، ۱۳۹۰)، اما می‌توان از طریق ایجاد ارتباط مناسب میان شهر و طبیعت (پارک‌ها و محوطه‌های سبز)، افزایش جاذبه‌های طبیعی، وجود فضای عمومی مشهود و برجسته همراه با دسترسی آسان و مناسب، امکان کسب تجارب ارزشمند از محیط و آموزش‌های باکیفیت، ایجاد فرصتی مناسب برای استراحت و تفکر، افزایش و توزیع صحیح مبلمان تفریحی و ورزشی در بخش‌های مختلف، همچنین وجود محیط زیست باکیفیت، شرایط مطلوب‌تری را در این گونه فضاها به وجود آورد (جاکوب و هلستروم^۱، ۱۳۸۸).

امروزه محوطه‌های بیرونی اماکن ورزشی می‌توانند به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهری در نظر گرفته شوند، ولی متأسفانه به دلیل سهل‌انگاری در طراحی و ساخت، این گونه فضاها توانایی بسیار پایینی در جذب مردم به سوی خود، برای توقف، تفریح و ورزش دارند. زیرا این گونه فضاها در کشور به لحاظ ساختاری و کالبدی، جذاب و چشم‌نواز نبوده و به‌علاوه به دلیل طراحی نامناسب، توانایی پایینی در برپایی رویدادهای اجتماعی - که یکی از راه‌های جذب مردم در جهت اجتماع‌پذیری آن‌ها است - دارند. محوطه‌های بیرونی اماکن ورزشی به عنوان نوعی فضای عمومی شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق دارند و با حضور انسان در آن‌ها و فعالیت او معنا پیدا می‌کنند. همچنین کیفیت این فضاها در کیفیت زندگی مردم شهرها نقش مؤثری دارد. این گونه فضاها، مکان‌هایی هستند که غریبه‌ها نیز در آن سهیم‌اند. مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. این فضاها عرصه سیاست، مذهب، داد و ستد، ورزش و فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و برخوردهای غیرشخصی تلقی می‌شوند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین انتظار می‌رود که این گونه فضاها به شکلی طراحی شوند که با داشتن شرایط و ویژگی‌هایی خاص، زمینه را برای عملکرد متناسب و بروز رفتارهای مناسب به‌ویژه در زمان گذران اوقات فراغت در آن محیط کالبدی فراهم آورند (کسیدی^۲، ۱۳۷۵). آنچه امروز این فضاها را جدی‌تر مطرح ساخته، حضور بیش‌تر در آن‌هاست، به این معنا که شهروند کنونی، نسبت به پیشینیان نیاز بیش‌تری به این فضاها دارد (حسام، ۱۳۸۰). زیرا با افزایش سطح رفاه اجتماعی و توسعه تأسیسات و تجهیزات شهری که بیشتر رفع نیاز مادی یا فیزیکی مردم را مرتفع می‌سازد حس نیاز به فضاهای عمومی برای تبادل دیدگاه‌ها و افکار، تقابل رفتار و عمل و حتی نمایش عواطف و احساسات انسانی را بیش از پیش نمایان کرده است (صالحی، ۱۳۸۰). ضرورت توجه به این گونه فضاها به علت وجود کارکردهای همه‌جانبه آن در ابعاد متفاوت اجتماعی (به عنوان بستر تعاملات اجتماعی شهروندان)، سیاسی و

1. Jacob & Hellstrom

2. Cassidy

توسعهٔ دموکراسی (به عنوان بستری برای تعامل و تفاهم میان حاکمان و شهروندان) (قاسمی، ۱۳۸۳)، همچنین به عنوان مکان‌هایی سالم برای گذران اوقات فراغت شهروندان است. علاوه بر این، فضاهای عمومی از طریق افزایش گردشگر و سرمایه‌گذاری اقتصادی، کمک زیادی در ایجاد سلامتی و بهبود کیفیت زندگی شهرها می‌کند. این فضاها در تعیین هویت شهر و ارتقای فرهنگ شهروندان نقش مهمی دارند (جعفری و زهتابیان، ۱۳۸۵).

چنین فضاها، متعلق به همهٔ افراد، بدون توجه به تفاوت‌های طبقاتی، جنس، نژاد، سن و سایر تمایزات فردی و اجتماعی، محل تعاملات اجتماعی افراد و گروه‌های مختلف و نیز بستر شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی است. چنان‌که الدنبرگ^۱ (۱۳۷۷)، آن را فضایی که فرد، متعلق به خود می‌داند و در آن احساس راحتی می‌کند، دانسته و به آن فضای سوم، یعنی فضایی در کنار خانه و محل کار اطلاق می‌کند، فضایی که میزبان تجمعات شاد، غیررسمی، داوطلبانه و منظم افراد است. این‌گونه فضاها بیش از آنکه تنها یک فضا باشند، یک تجربه‌اند که نتیجهٔ چنین تعامل و تجاربی در میان افراد و گروه‌های مختلف، دریافت حس هویت جمعی، احترام به خود (عزت نفس)، ارتقای مهارت‌های جمعی و مشارکت اجتماعی خواهد بود (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶). در این میان فضاهای باز تفریحی و ورزشی که محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی را نیز می‌توان نمونه‌ای از این‌گونه فضاها دانست، مکان‌های تأمین آسایش همگانی به‌شمار می‌روند. به‌طوری که در شهرهای دارای کیفیت محیطی بهینه، نسبت بالایی از سطح شهر به کاربری سبز، باز، تفریحی و ورزشی اختصاص دارد. هرچند فضاهای باز و محوطه‌های تفریحی در پوشش باغ‌ها و مزارع، عرصه‌های سنتی کالبد شهر ایرانی را در بر می‌گرفتند، اما در الگوی جدید، شهر ایرانی با فقدان زمینه‌ای این کاربری‌ها مواجه شده است (بهزادفر، ۱۳۸۵).

در زمینهٔ طراحی صحیح و پاسخگوی فضاهای عمومی چه در داخل و چه در خارج از کشور تحقیقاتی صورت گرفته است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. پورجعفر و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "ارائهٔ انگاره‌های محیطی مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی مشوق سالمندی موفق با تأکید بر ترجیحات سالمندان شهر شیراز" انگاره‌های زیر را در ارزشگذاری فضاهای عمومی شهری از دید سالمندان، برای حضور و مشارکت تأثیرگذار می‌داند که عبارت‌اند از: راهیابی و دسترسی (دسترسی عمومی به فضا)، ایمنی و امنیت، آسایش (مبلمان مناسب و طراحی‌شده)، پویایی و جذابیت (وجود کاربری متنوع)، هم‌آرایی با طبیعت (پاکیزگی و نبود آلودگی)، هویت (رنگ و مصالح هماهنگ با محیط قرارگیری)، آزادی (آزادی انجام دادن فعالیت‌های متنوع)، رویدادپذیری (بروز رویدادهای فرهنگی)، بومی‌گرایی (هماهنگی با محیط پیرامونی)، وحدت (پراکندگی کم عناصر فضا)، نظم (نظم در کلیات و جزئیات فضا)، خاطرۀ ذهنی

1. Oldenburg

(طراحی فضای عمومی مطابق با آداب و رسوم محیط قرارگیری). همچنین کاشانی جو (۱۳۸۹) به پژوهشی با عنوان «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری» پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که گرچه دیدگاه‌های ارائه شده در مورد با این موضوع در بسیاری موارد واجد جنبه‌هایی مشترک بوده‌اند، اما در دوران اخیر با تثبیت اهمیت نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی، تأکید بسیار بر رویکردهای پایداری، ایجاد امنیت و انسان‌مداری است. به عبارت دیگر، بررسی روند تحول نظریه‌ها و رویکردهای غالب در سه دوره مورد اشاره بیانگر آن است که با گذشت زمان، هم به حضور انسان به عنوان عامل اصلی ایجاد پویایی و سرزندگی در فضای عمومی توجه بیشتری شده و هم تمرکز از ویژگی‌های کمی انسانی همچون جاذبه‌های بصری به شاخص‌های کیفی مانند ایجاد امنیت و پایداری محیطی تغییر کرده است. رفیعیان و خدایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، سه عامل اصلی دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی را به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری شناسایی کردند که هر کدام از عوامل مذکور از چندین شاخص تشکیل شده که در نتایج مقاله به‌طور جداگانه به آن‌ها اشاره شده است. مدیری (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر» به این نتیجه رسید که مکان‌هایی که مردم در آن‌ها حضور فعال دارند و تنوع فعالیت‌ها و دسترسی‌پذیری کالبدی بالایی دارند، از احساس امنیت مناسبی برخوردارند، حتی اگر از بیشترین پراکنش وقوع جرم برخوردار باشند. او نتیجه می‌گیرد که احساس ناامنی از جریانات اصلی عرصه عمومی مرکز شهر تهران نیست، ولی عدم حضور مردم و دسترسی‌پذیری از مسائل عرصه عمومی فوق است (مدیری، ۱۳۸۵). پاکزاد (۱۳۸۴)، نیز در مطالعات خود در این باره، ضمن طبقه‌بندی فضاهای عمومی شهری، به صورت جداگانه به تبیین ویژگی‌های هر یک از آنان می‌پردازد. وی ضمن تأکید بر شناخت نیازهای روحی و روانی افراد و انعکاس آن در فضا، به لزوم معنابخشی به فضاهای عمومی شهری اشاره می‌کند. در پژوهش وی، ایجاد حس تعلق، حضور فعال و مداوم کاربران در فضا و نیز تعامل اجتماعی شهروندان در فضاهای عمومی شهری، از عمده‌ترین ویژگی‌های این فضاها محسوب می‌شود. به‌علاوه در این پژوهش به کیفیات طراحانه زیر نیز اشاره شده است: تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد و تناسب‌ها، انعطاف‌پذیری، فرم، هندسه، مصالح، محصوریت، بده‌ها و پیوستگی کالبدی و فضایی که در ادراک کلیت فضا و در نتیجه تأثیر مطلوب بر ادراک انسان از فضاهای عمومی نقش دارند.

در بخش تحقیقات خارجی نسز لوکاتو و بانرجی^۱ (۱۳۷۶)، عوامل زیر را در خلق فضاهای عمومی موفق مطرح کرده‌اند: دسترسی، خوانایی، خدمات و تسهیلات، فعال بودن به عنوان جزئی

1. Lokaitou & Banerjee

مستقل در بافت شهر، زیبایی بدنه‌ها (سبک، فرم، رنگ، بافت، منظرآرایی و مبلمان)، انسجام، تداوم و ارتباطات، موقعیت در شهر، حمایت از گروه‌های مختلف کاربران، وجود فعالیت‌های مختلف و تراکم. گیل^۱ (۱۳۶۵)، یکی از برجسته‌ترین محققان در زمینه احیای فضاهای عمومی، در پژوهش‌های خود درباره فضاهای شهری دانمارک، دستاورد تحقیقات خود را در قالب سه محور خلاصه کرده که هر یک دارای شاخص‌های خاص خود است: الف) حمایت: حمایت کاربران در برابر ماشین، جرم و شرایط اقلیمی ب) آسایش: در هنگام انجام فعالیت‌های مختلف مانند امکان قدم زدن، نشستن، شنیدن، صحبت کردن، توقف، دیدن مناظر و بازی. ج) لذت: از ابعاد و تناسب‌ها، شرایط مطلوب اقلیمی، کیفیات زیبایی‌شناسانه و تجارب حسی مثبت. لینچ و هک^۲ (۱۳۶۳) نیز به ویژگی‌هایی زیر در این زمینه اشاره کرده‌اند: الف) تنوع مکان: با هدف پاسخگو بودن مکان برای افراد و گروه‌های مختلف ب) کیفیات بصری مکان: با تأکید بر وحدت و خوانایی مکان ج) انطباق با نیازها و اهداف کاربران: که مستلزم شناخت الگوهای رفتاری کاربران در مکان و نحوه ارزیابی آن‌ها از آن است. پژوهش دیگر در این زمینه مربوط به تحقیقات وان رایج^۳ در سال ۱۳۶۱ است که با هدف شناخت عوامل موثر در جلب مردم به فضاهای عمومی صورت گرفته و نتایج آن به شرح زیر است: الف) نحوه ارزیابی عموم از مکان ب) ویژگی‌های کالبدی ج) مفید و مؤثر بودن د) نحوه دسترسی) ویژگی‌های اجتماعی. لراپ^۴ در پژوهش خود در سال ۱۳۵۰ در مورد فضاهای عمومی شهر استکهلم، به چهار محور در تبیین ویژگی‌های فضاهای عمومی موفق اشاره می‌کند: الف) تأمین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم، خوانایی و قابل پیش‌بینی بودن فضا. ب) وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش مکان ج) میزان اطلاعات، شور و هیجان مکان که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمزآلودگی، آموزش، امکان بیان خود، گوناگونی و تضاد، انتخاب، هویت‌یابی، خلوت‌جویی و دلبستگی در فضا است. د) تعاملات اجتماعی. کاروالیو ویرا^۵ و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل فضاهای عمومی مناسب جهت تشویق افراد به فعالیت بدنی در ریو دو ژانیرو برزیل» به این نتیجه دست یافتند که وجود فضاهای عمومی مناسب و در دسترس، سبب تشویق افراد به انجام فعالیت‌های بدنی خواهد شد. به‌ویژه آنکه این فضاها فرصت مناسبی برای اقشار کم درآمد جامعه - که توانایی پرداخت هزینه‌های ورزش و تفریح را ندارند فراهم می‌کند و ضرورت وجود چنین فضاهایی به‌خصوص در مناطق آسیب‌پذیر اجتماعی بیشتر احساس می‌شود.

-
1. Gehl
 2. Lynch & Hack
 3. Van Raaij
 4. Lerup
 5. Carvalho

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت و اهداف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری اطلاعات، از نوع توصیفی-پیمایشی است که به صورت نظرخواهی و به شکل میدانی انجام شده است. در این پژوهش در دو بخش به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شده است. در مرحله اول در زمینه جمع‌آوری اطلاعات نظری و پیشینه تحقیق از منابع کتابخانه‌ای، اینترنت، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع و در مرحله بعد از پرسشنامه محقق‌ساخته، برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش حاوی ۲۶ سؤال و ۴ شاخص شامل: ابعاد کالبدی، فعالیتی، اجتماعی و معنایی بود که برای طراحی آن ابتدا بر اساس مطالعه مبانی نظری و مقالات متعدد علمی و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آن‌ها، فهرستی از مهم‌ترین شاخص‌های مرتبط با موضوع محوطه‌سازی بیرونی (در قالب یک نوع فضای عمومی) - که به لحاظ مستندات علمی معتبر بودند- شناسایی و فهرست شد. سپس برای تعیین میزان مؤثر بودن هر یک از شاخص‌ها، سؤالاتی با طیف پنج‌ارزشی لیکرت طراحی شد که پس از بازبینی و تأیید روایی آن توسط استادان مجرب در زمینه شهرسازی (گرایش طراحی شهری) و تعیین پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰.۸۳، پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور در رشته شهرسازی (گرایش طراحی شهری) با مرتبه علمی استادیار و بالاتر به تعداد ۳۷ نفر بود که از این میان بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان مجموعاً ۳۳ استاد به صورت تصادفی به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. پرسشنامه مذکور از طریق نرم‌افزار Lime survey، به صورت آنلاین به پست الکترونیکی استادان مربوط ارسال و داده‌ها جمع‌آوری شد. برای سازمان‌دهی و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار Spss استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از دو دسته روش‌های آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شد. از آمار توصیفی نظیر فراوانی، حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف استاندارد برای توصیف متغیرها، گویه‌ها و شاخص‌ها استفاده شد و در سطح آمار استنباطی از تکنیک آمار KS برای تعیین وضعیت طبیعی بودن داده‌ها استفاده شد و برای شناسایی معیارهای تأثیرگذار در مکان‌یابی با توجه به سطح معنی‌داری آزمون کالموگراف اسمیرنوف و طبیعی بودن داده‌ها از آزمون‌های t تک نمونه‌ای استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

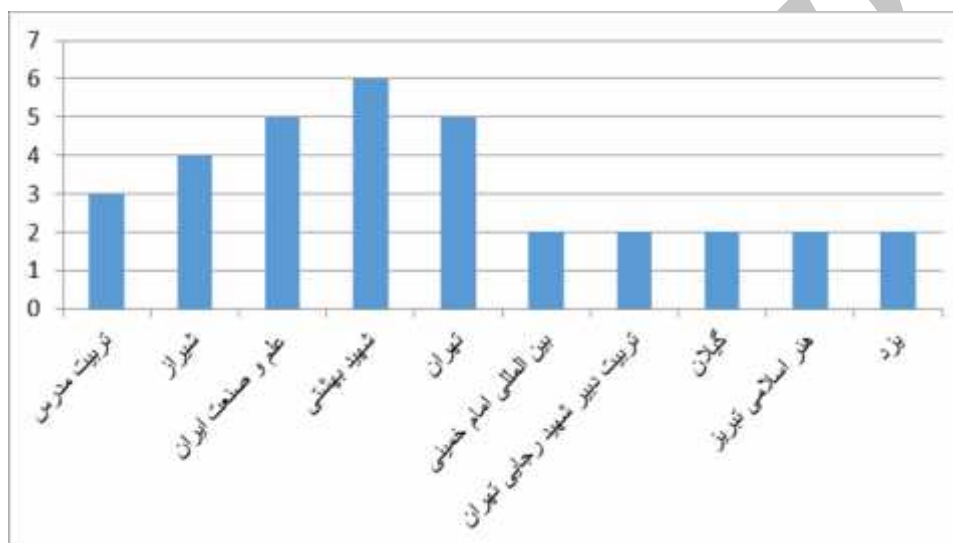
نتایج توصیفی پژوهش حاضر نشان داد که از میان مجموع پاسخ‌دهندگان، به لحاظ جنسیت ۶ نفر زن و ۳۱ نفر مرد و به لحاظ مرتبه علمی ۲۳ نفر استادیار، ۸ نفر دانشیار و ۶ نفر استاد پاسخگوی سوالات پرسشنامه این پژوهش بودند. که اطلاعات مربوط به جامعه و نمونه آماری پژوهش به ترتیب در جداول شماره‌های ۱ و ۲ نشان داده شده است.

جدول ۱. اطلاعات مربوط به جامعه آماری پژوهش

نام رشته	تعداد اعضای هیئت علمی زن	تعداد اعضای هیئت علمی مرد	تعداد استادیار	تعداد دانشیار	تعداد استاد	تعداد کل اعضای هیئت علمی
شهرسازی (طراحی شهری)	۶	۳۱	۲۳	۸	۶	۳۷

جدول ۲. اطلاعات مربوط به وضعیت مرتبه علمی و جنسیت پاسخ‌دهندگان

نام رشته	تعداد استادیار	تعداد دانشیار	تعداد استاد
شهرسازی (طراحی شهری)	۲۳	۷	۳
شهرسازی (طراحی شهری)	۵	۲۸	۳۳



نمودار ۱. نام دانشگاه‌های دولتی و فراوانی اساتید هر یک از آن‌ها در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

در نمودار شماره ۱، نام تمامی دانشگاه‌های دولتی، که اعضای هیئت علمی آن‌ها در رشته شهرسازی (گرایش طراحی شهری) پاسخگوی سؤالات پرسشنامه این تحقیق بوده‌اند به همراه فراوانی تعداد اعضای هیئت علمی هر یک از آن‌ها نمایش داده شده است، همان‌طور که ملاحظه می‌شود اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران در رشته مذکور با فراوانی ۶ استاد بیشترین مشارکت را در تحقیق حاضر داشتند.

جدول ۳. توصیف عوامل مربوط به محوطه سازی بیرونی در بعد کالبدی

ردیف	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد
۱	تأمین امنیت (فیزیکی، روانی و اجتماعی) افراد، در برابر عوامل اقلیمی، آلودگی‌های صوتی، جرم و غیره	۴/۶۶	۰/۵۴
۲	دسترسی و ارتباط مناسب افراد با مکان و ورودی‌ها	۴/۵۷	۰/۶۶
۳	تأمین آسایش افراد، از طریق فراهم نمودن امکان قدم زدن، نشستن، توقف، دیدن مناظر و بازی	۴/۳۶	۰/۶۵
۴	وجود عوامل طبیعی مانند فضاهای سبز جهت ایجاد آرامش، تعاملات اجتماعی، فعالیت فیزیکی و رضایتمندی بصری	۴/۳۳	۰/۷۳
۵	ارائه خدمات و تسهیلات مناسب مانند وجود (نیمکت، سطل زباله، سرویس‌ها، پارکینگ و سایر امکانات مورد نیاز)	۴/۲۴	۰/۷۹
۶	وجود کیفیت بصری و زیبایی مکان (به عنوان مثال ایجاد دید و منظر زیبا و امکان لذت بردن از آن و در نظر گرفتن یکپارچگی فضا، ابعاد و تناسب، فرم و هندسه)	۴/۰۶	۰/۶۵
۷	استفاده از عنصر آب در قالب آب نماها، آبشار، دیوار آب، فواره استخر آب و جویبار	۳/۴۵	۰/۸۳
۸	استفاده از یادمان‌ها و پله‌ها	۳/۰۰	۰/۷۵

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، بررسی گویه‌های مرتبط با بعد کالبدی، با توجه به میانگین‌های به‌دست آمده نشان داد که عامل تأمین امنیت (فیزیکی، روانی و اجتماعی) افراد در برابر عوامل اقلیمی، آلودگی‌های صوتی و جرم، بیشترین میانگین (۴/۶۶) و عامل استفاده از یادمان‌ها و پله‌ها، کمترین میانگین (۳/۰۰) را در بین گویه‌های شاخص مذکور داشتند.

جدول ۴. توصیف عوامل مربوط به محوطه‌سازی بیرونی در بعد فعالیتی

ردیف	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد
۱	امکان انجام فعالیت‌ها در ساعات مختلف شبانه‌روز	۳/۶۶	۰/۹۸
۲	امکان وجود اشتغال فعال مانند (گردهمایی، قدم زدن، بازی، تفریح، ورزش و امکان رقابت)	۳/۶۳	۰/۸۹
۳	وجود اشتغال غیرفعال با امکان انجام فعالیت‌های غیرفیزیکی مانند (نشستن، صحبت کردن، مشاهده کردن ملاقات با دوستان و غیره)	۳/۶۰	۰/۷۸
۴	امکان انجام فعالیت‌های متنوع و گوناگون (به عنوان مثال امکان انجام فعالیت‌های همراه با آرامش و یا همراه با هیجان)	۳/۴۲	۱/۰۰

همان طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، بررسی گویه‌های مرتبط با بعد فعالیت با توجه به میانگین‌های به‌دست آمده نشان داد که عامل امکان انجام فعالیت‌ها در ساعات مختلف شبانه‌روز، بیشترین میانگین (۳/۶۶) و عامل امکان انجام فعالیت‌های متنوع و گوناگون (به عنوان مثال امکان انجام فعالیت‌های همراه با آرامش و یا همراه با هیجان)، کمترین میانگین (۳/۴۲) را در بین گویه‌های شاخص مذکور داشتند داده‌اند.

جدول ۵. توصیف عوامل مربوط به محوطه‌سازی بیرونی در بعد اجتماعی

ردیف	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد
۱	ایجاد فضاهای کافی جهت نشستن، مکث و تجمع	۳/۸۱	۰/۸۰
۲	امکان اجتماع‌پذیری و حیات جمعی افراد	۳/۷۸	۰/۷۸
۳	امکان انجام فعالیت‌های خاص مانند: فعالیت‌های ورزشی که سبب تحکیم ارتباطات گروهی می‌گردد	۳/۶۹	۰/۹۸
۴	تأمین خلوت و حریم مناسب برای کاربران جهت جلوگیری از بروز نابهنجاری، تنش و استرس	۳/۶۳	۰/۹۹
۵	امکان خلق رویدادهای اجتماعی مانند نمایش‌ها، هنرهای عمومی و جشن‌ها که مردم را با یکدیگر پیوند می‌دهند	۳/۵۴	۰/۹۰
۶	امکان هویت‌یابی و حس تعلق به مکان	۳/۵۴	۰/۷۹

همان طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود بررسی گویه‌های مرتبط با بعد اجتماعی، با توجه به میانگین‌های به‌دست آمده نشان داد که عامل ایجاد فضاهای کافی برای نشستن، مکث و تجمع، بیشترین میانگین (۳/۸۱) و عامل امکان خلق رویدادهای اجتماعی مانند نمایش‌ها، هنرهای عمومی و جشن‌ها که مردم را به یکدیگر پیوند می‌دهند، همچنین عامل امکان هویت‌یابی و حس تعلق به مکان، هر دو کمترین میانگین (۳/۵۴) را در بین گویه‌های شاخص مذکور به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۶. توصیف عوامل مربوط به محوطه سازی بیرونی در بعد معنایی

ردیف	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد
۱	وجود سرزندگی و مفرح بودن فضاها	۴/۲۴	۰/۵۰
۲	وابستگی های اجتماعی به مکان، از طریق وجود پاتوق هایی مانند آلاچیق ها و کافی شاپ های موجود در محوطه	۳/۵۴	۰/۸۶
۳	امکان خلق تجارب معنادار و به یاد ماندنی که در اولین مواجهه فرد با مکان وی را تحت تاثیر قرار می دهد	۳/۳۹	۰/۸۹
۴	ایجاد فضایی پر معنا همراه با تصور و تشخیص مکان	۳/۳۶	۰/۷۸
۵	استفاده از اشارات، استعارات و وجود عناصر سمبلیک (مانند مجسمه ها)	۳/۱۲	۱/۱۱

همان طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می شود، بررسی گویه های مرتبط با بعد معنایی با توجه به میانگین های به دست آمده نشان داد که عامل وجود سرزندگی و مفرح بودن فضاها، بیشترین میانگین (۴/۲۴) و عامل استفاده از اشارات، استعارات و وجود عناصر سمبلیک (مانند مجسمه ها) کمترین میانگین (۳/۱۲) را در بین گویه های شاخص مذکور به خود اختصاص داده اند.

جدول ۷. توصیف معیارهای مربوط به محوطه سازی بیرونی (در قالب یک نوع فضای عمومی) در طراحی و ساخت اماکن ورزشی شهری

ردیف	شاخص ها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
۱	کالبدی	۴/۰۸	۰/۳۹	۳/۳۸	۴/۷۵
۲	اجتماعی	۳/۶۷	۰/۵۲	۲/۳۳	۴/۸۳
۳	فعالیتی	۳/۵۸	۰/۷۰	۲/۰۰	۵/۰۰
۴	معنایی	۳/۵۳	۰/۶۳	۲/۴۰	۵/۰۰

همان طور که در جدول شماره ۷ ملاحظه می گردد در بین شاخص های مربوط به محوطه سازی بیرونی (در قالب یک نوع فضای عمومی) در طراحی و ساخت اماکن ورزشی شهری، بعد کالبدی بیشترین میانگین ($4/08 \pm 0/4$) را دارا است و بعد از آن بعد فعالیتی با میانگین (۳/۵۸)، بعد اجتماعی با میانگین (۳/۶۷) و در نهایت بعد معنایی با میانگین (۳/۵۳) به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین ها را در بین شاخص های مذکور به خود اختصاص داده اند.

جدول ۸. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف		شاخص‌ها	ردیف
sig	z		
۰/۶۶	۰/۷۲	کالبدی	۱
۰/۳۶	۰/۹۲	اجتماعی	۲
۰/۸۹	۰/۵۷	فعالیتی	۳
۰/۷۵	۰/۶۷	معنایی	۴

در بخش آمار استنباطی جهت تعیین روش آماری صحیح ابتدا چگونگی توزیع داده‌ها مورد بررسی قرار داده شد. بدین منظور برای بررسی طبیعی بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن طبق اطلاعات جدول شماره ۹، نشان دهنده نرمال بودن توزیع تمامی متغیرها در سطح معنی‌داری (p ۰/۰۵) می‌باشد. لذا از آزمون‌های پارامتری جهت بررسی فرضیات مربوط به این متغیرها استفاده شد.

جدول ۹. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در بررسی میزان اهمیت متغیرهای مرتبط با محوطه‌سازی بیرونی

متغیرها	میانگین واقعی	میانگین مورد آزمون	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
محوطه‌سازی بیرونی	۳/۷۷۰۸	۳	۱۰/۱۲۳	۳۲	۰/۰۰۰۱
بعد کالبدی	۴/۰۸۷۱	۳	۱۵/۶۳۰	۳۲	۰/۰۰۰۱
بعد فعالیتی	۳/۵۸۳۳	۳	۴/۷۴۵	۳۲	۰/۰۰۰۱
بعد اجتماعی	۳/۶۷۱۷	۳	۷/۳۱۰	۳۲	۰/۰۰۰۱
بعد معنایی	۳/۵۳۳۳	۳	۴/۸۰۴	۳۲	۰/۰۰۰۱

برای بررسی این فرضیه که هر یک از شاخص‌های مورد بررسی در تحقیق حاضر که شامل ابعاد (کالبدی، فعالیتی، اجتماعی و معنایی) هستند، تا چه میزان در محوطه‌سازی بیرونی (در قالب یک نوع فضای عمومی) برای طراحی و ساخت اماکن ورزشی شهری تأثیرگذار و مهم هستند، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است و همان‌طور که در جدول شماره ۹ نیز ملاحظه می‌شود با توجه به t به دست آمده برای هر یک از شاخص‌ها و سطح معنی‌داری (p ۰/۰۵)، مشخص شد که تمامی شاخص‌های محوطه‌سازی بیرونی مورد بررسی در تحقیق حاضر، از دیدگاه استادان شهرسازی (گرایش طراحی شهری) سراسر کشور، در محوطه‌سازی بیرونی (در قالب یک نوع فضای عمومی) برای طراحی و ساخت اماکن ورزشی شهری تأثیرگذار و مهم شناخته شده‌اند.

بحث و نتیجه گیری

امروزه با وجود رواج پدیده‌های نوین ارتباطی همچون مطبوعات، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت نقش فضاهای باز و عمومی برای انواع فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی و ارتباطات اجتماعی شهروندان، همچنان از اهمیت زیادی برخوردار است. در همین راستا برای ارائه مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معیارهای مهم در زمینه محوطه‌سازی بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی (در قالب یک نوع فضای عمومی)، به جمع‌آوری دیدگاه‌ها و نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور در رشته شهرسازی (با گرایش طراحی شهری) - که مرتبط‌ترین رشته تحصیلی در زمینه با موضوع محوطه‌سازی‌ها و ایجاد فضاهای عمومی در سطح شهرهاست- پرداخته شد.

در نهایت تحلیل داده‌ها نشان داد که از دیدگاه استادان طراحی شهری، بعد کالبدی به عنوان یکی از ابعاد مهم در محوطه‌سازی بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی باید به‌دقت مورد توجه قرار گیرد. این بعد دربرگیرنده معیارهایی همچون تأمین امنیت، دسترسی و ارتباط، تأمین آسایش، وجود عوامل طبیعی، ارائه خدمات و تسهیلات مناسب، وجود کیفیت بصری و زیبایی مکان، استفاده از عنصر آب و استفاده از یادمان‌ها و پله‌هاست. کیفیات کالبدی محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی به عنوان نوعی فضای عمومی در شهرها با نحوه دسترسی، موقعیت، آسایش فیزیولوژیکی در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت در رابطه است. علاوه بر این، وجود عناصر طبیعی در این گونه‌ها سبب افزایش هیجان، سرزندگی محیط، فراهم کردن امکان استراحت، ورزش و تفریح، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر مردم می‌شود. همچنین ارائه خدمات و تسهیلات مناسب و وجود کیفیت بصری و زیبایی مکان و به کار بردن عناصری همچون یادمان‌ها، پله‌ها، آب‌نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل در فضا، از عوامل تأثیرگذار در ارتقای جنبه‌های کالبدی محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی محسوب می‌شوند (کاپلان^۱، ۱۳۷۶). در مقابل بی‌توجهی به عواملی مانند فرصت‌های کالبدی مناسب برای نشستن، مکث و تأمل بیشتر در فضا، فضاهای کانونی برای تجمع افراد مثل زمین بازی، مکان غذا خوردن، ورودی‌های دعوت‌کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی، پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی‌شناسانه آن، راه‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم به درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی، ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری و پیش‌بینی فعالیت‌های جذاب سبب می‌شود که این گونه فضاهای عمومی نتوانند از نظر لحاظ جذب مردم به سمت خود به نحو مطلوبی پاسخگو باشند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶). نتایج این بخش از پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات پورجعفر و همکاران (۱۳۸۹)، کاشانی جو (۱۳۸۹)، رفیعیان و خدایی (۱۳۸۸)، مدیری (۱۳۸۵)، لوکاتو و بانرجی (۱۳۷۶)، گیل (۱۳۶۵)، وان رایج (۱۳۶۱) و لرآپ (۱۳۵۰) به‌طور کامل همخوانی دارد.

1. Kaplan

همچنین از دیدگاه استادان طراحی شهری، توجه به بعد اجتماعی، در زمینه محوطه‌سازی بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی نیز مهم و تأثیرگذار است. این بعد در برگیرنده معیارهایی همچون ایجاد فضاهای کافی جهت نشست، مکث و تجمع، امکان اجتماع‌پذیری و حیات جمعی افراد، امکان انجام فعالیت‌های خاص مانند فعالیت‌های ورزشی، تأمین خلوت و حریم مناسب برای کاربران، امکان خلق رویدادهای اجتماعی و امکان هویت‌یابی و حس تعلق به مکان است. عملکرد اصلی این‌گونه فضاها، فراهم‌سازی و بسترسازی حضور مردم است، از این رو ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همچنین فعالیت‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این نوع فضاهاست که پاسخگوی یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، یعنی در کنار جمع بودن است و در عین حال خود زمینه‌ای برای پاسخگویی به نیازهای برتر انسان از جمله خویشتن‌یابی، احساس عزت نفس و حرمت ذاتی است که در نهایت شکوفایی و رشد او را به همراه دارد. اما آنچه بیش از همه در حضور و تعامل اجتماعی افراد در این‌گونه فضاهای عمومی نقش دارد، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای حس تعلق به مکان نیز باشد، در این زمینه می‌توان به نقش فعالیت‌های خاص مانند فعالیت‌های ورزشی‌ای که سبب تحکیم ارتباطات گروهی می‌شود اشاره داشت (استدمن، ۱۳۸۲). بنابراین بعد اجتماعی اینگونه فضاها مبتنی بر مثلثی از انسان، فضا و حیات جمعی است که پاسخگویی به ابعاد مذکور مستلزم توجه به موارد ذیل است:

الف) شناخت نیازهای انسان در رابطهٔ زمینهٔ فضا و شناخت گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضا. ب) شناخت ابعاد کالبدی و قابلیت‌های آن در زمینه بعد اجتماع‌پذیری فضا. ج) شناخت ابعاد مؤثر در حیات جمعی در نمونه‌های موجود و تأمین جایگزین‌های کالبدی و فرصت‌های لازم برای بروز فعالیت‌های مناسب (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶). نتایج این بخش از تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پورجعفر و همکاران، (۱۳۸۹)، کاشانی جو (۱۳۸۹)، وان رایج (۱۳۶۱) و لراپ (۱۳۵۰) به‌طور کامل همخوانی دارد.

همچنین توجه به بعد فعالیتی، در زمان طراحی محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی به عنوان یکی از ابعاد تأثیرگذار و مهم از دیدگاه پاسخگویان شناخته شده است. این شاخص در برگیرنده معیارهایی همچون امکان انجام فعالیت‌ها در ساعات مختلف شبانه‌روز، امکان وجود اشتغال فعال، وجود اشتغال غیرفعال با امکان انجام فعالیت‌های غیرفیزیکی و امکان انجام فعالیت‌های متنوع و گوناگون است. اگر به این‌گونه فضاها از منظر یک طراح نگاه کنیم، پیداست که عوامل بصری و زیباشناسانه در اجتماع‌پذیری فضاها از شروط لازم‌اند، ولی به تنهایی کافی نیستند. فعالیت‌های موجود در فضاهای عمومی می‌تواند بر کیفیت و کمیت جذب مردم برای توقف و تعامل

در این فضاها، تأثیرگذار باشد. محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی (در قالب یک نوع فضای عمومی)، زمینه‌ای برای بروز دامنه وسیعی از فعالیت‌های روزمره تا جشن‌های دوره‌ای، فعالیت‌های فردی تا جمعی و فعال تا غیرفعال هستند. فعالیت‌هایی مانند نگاه کردن، گوش سپردن و تجربه کردن دیگران و مشارکت فعال و غیرفعال در مکان سبب سرزندگی مکان می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فضاهای عمومی که مردم در آن قادر به مشغول بودن در مکان با نگاه کردن به دیگران، نشستن، غذا خوردن، فعالیت‌های ورزشی و یا به تعبیر دیگر تفریح فعال و غیرفعال باشند، برای مردم جذابیت بیشتری دارند (بی یارد و امارا^۱، ۱۳۷۹). نتایج این بخش از پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات پورجعفر و همکاران (۱۳۸۹) و کاروالیو ویرا و همکاران (۱۳۹۱) به‌طور کامل همخوانی دارد.

از دیدگاه استادان طراحی شهری، توجه به بعد معنایی نیز از جمله شاخص‌های تأثیرگذار در زمینه طراحی محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی به شمار می‌رود. این بعد در برگیرنده معیارهایی همچون سرزندگی و مفرح بودن فضاها، وابستگی‌های اجتماعی به مکان، امکان خلق تجارب معنی‌دار و به یاد ماندنی، ایجاد فضایی پرمعنا همراه با تصور و تشخیص مکان و استفاده از اشارات، استعارات و عناصر سمبلیک است. در واقع می‌توان گفت که پاسخگویی معنایی این‌گونه فضاها، به عنوان رأس هرم فضاهای عمومی پاسخگو، مستلزم پاسخگویی کالبدی، فعالیتی و اجتماعی آن است که در ارتقای تعاملات شناختی و رفتاری موثر است و ارتقای تعامل عاطفی و معنایی را برای فرد به همراه دارد. به‌علاوه عواملی چون عناصر خاص مکان مانند نشانه‌ها، قدمت و ارزش زمین، وابستگی‌های اجتماعی به مکان، تداوم و میزان کاربری و حضور در مکان نیز در این زمینه نقش بسزایی دارند. تصور و تشخیص مکان - که تصویری قوی از شخصیت و هویت آن در ذهن کاربران خود ایجاد می‌کند - و خلق حس مکان و تجارب به یاد ماندنی در فضاهای عمومی از طریق تعریف و تعیین مکان - که در اولین مواجهه فرد با مکان، وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد از عوامل موجد تعامل مطلوب انسان و مکان و خلق تجارب معنی‌دار و به یاد ماندنی محسوب می‌شوند. به‌طور کلی تعامل عاطفی و معنایی پس از آنکه افراد تجربه درازمدت یا قوی‌ای با یک مکان دارند، اتفاق می‌افتد و در این فرایند، مکان معنای وسیعی برای فرد می‌یابد. پژوهش‌های انجام شده در زمینه تعامل انسان و مکان به نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی اشاره دارد که خود مؤید لزوم طراحی انسان‌محور در خلق فضاهای عمومی موفق است که از طریق مشارکت افراد در فرایند خلق مکان میسر می‌شود. مشارکت علاوه بر آنکه توسعه تعامل مطلوب انسان و مکان را به همراه دارد، انعکاس‌دهنده توقعات افراد نسبت به مکان و نحوه زندگی آن‌ها در آینده نیز هست که تأمین آن‌ها

1. Beyard & O'mara

مکان را برای فرد پرمعنا می‌کند (گیفورد^۱، ۱۳۸۰). نتایج این بخش از تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پاکزاد (۱۳۸۵)، گیل (۱۳۶۵) و لینچ و هک (۱۳۶۳) به‌طور کامل همخوانی دارد.

بنابراین به نظر می‌رسد که محوطه‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی باید به نحوی طراحی و برنامه‌ریزی شوند که افراد و گروه‌های مختلف در آن سهیم باشند و بتوانند به نیازهای روحی و جسمی خود در آن پاسخ دهند و در عین حال آن را متعلق به خود بدانند. خلق چنین فضایی، همچون خلق هر مکان موفق دیگری، مستلزم توجه به ابعاد مختلف آن بر مبنای نظریه مکان است که شامل ابعاد کالبدی، اجتماعی، فعالیتی و معنایی خواهد بود. در این میان اماکن و فضاهای ورزشی - که در هر لحظه میزبان بسیاری از افراد جامعه اعم از پیر و جوان، زن و مرد، ورزشکار و غیرورزشکار است - بهترین فضا برای ایجاد موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی خواهد بود تا از طریق طراحی و ساخت محوطه‌ای باشکوه و جذاب، دقیق و ساعاتی به یاد ماندنی را برای مراجعه‌کنندگان رقم بزند؛ لحظه‌هایی که می‌توانند به دور از استرس و خستگی و همراه با آرامش و آسایش سپری شوند و حتی فرصت‌های مشارکت اجتماعی را نیز برای مردم فراهم آورند و این مسئله جز از طریق توجه به محوطه‌سازی‌های زیبا و امن قابل حصول نخواهد بود. توجه به این موضوع در طراحی و ساخت اماکن و فضاهای ورزشی - که متأسفانه به‌شدت در ایران بی‌اهمیت است - نقش‌های زیادی در جامعه شهری ایفا خواهد کرد که از آن جمله می‌توان به ارزش اقتصادی، نقش آن در شکل‌دهی به شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان، نقش آن در ایجاد سلامت فیزیکی و روانی افراد، ایجاد تنوع و سرزندگی در جامعه شهری و غیره اشاره کرد. بنابراین با توجه به آنچه تا کنون بیان شد، به نظر می‌رسد برای بهبود وضعیت محوطه‌سازی‌های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی (در قالب یک نوع فضای عمومی) در ایران، تجدید نظر اساسی در دیدگاه‌ها و افکار متولیان الزامی است. متأسفانه با این مسئله به‌صورتی کاملاً سطحی برخورد می‌شود به طوری که در هنگام طراحی و ساخت اماکن و فضاهای ورزشی تنها به خود مکان ورزشی توجه می‌شود و عملاً مسئله محوطه‌سازی بیرونی آن به در نظر گرفته نمی‌شود، در حالی که شناخت نیازهای روحی و روانی افراد جامعه و انعکاس آن از طریق این‌گونه طرح‌ها و در مکان‌های مهمی همچون اماکن و فضاهای ورزشی، احترام به خاطرات جمعی و فردی انسانی در فضاها و معنابخشی به هر یک از این فضاها باید در سرلوحه برنامه طراحی و مدیران این‌گونه اماکن قرار گیرد.

1. Gifford

پیشنهادهای پژوهش

- الف) تلاش برای خلق فضای عمومی دموکراتیک که مستلزم توجه به عواملی همچون امکان دسترسی گروه‌های مختلف به مکان، برقراری امنیت و آزادی در فعالیت‌ها است.
- ب) تلاش برای خلق فضای عمومی پاسخگو که مستلزم توجه به عواملی همچون امکان استراحت و آرامش، امنیت و آسایش فیزیکی و ذهنی، اشتغال فعال و غیرفعال است.
- ج) تلاش برای خلق فضای عمومی پرمعنا که مستلزم توجه به ایجاد ارتباط مطلوب بین انسان و مکان است که خود با ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی مکان در رابطه خواهد بود.

منابع

- اسدی ملک جهان، فرزانه (۱۳۸۵). *استادیوم فوتبالی چندمنظوره بندر انزلی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده معماری و شهرسازی.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۵). *تحقیق‌پذیری پیشنهادات فضای سبز، تفریحی و ورزشی طرح‌های جامع و ساماندهی تهران و شاخص مصوبات کمیسیون ماده پنج*، اولین همایش ملی شهر و ورزش، صص ۱-۱۲۰.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران*، شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- پورجعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی اکبر؛ بمانیان، محمدرضا؛ صادقی، علیرضا؛ فریال، احمدی (۱۳۸۹). *ارائه انگاره‌های محیطی مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی مشوق سالمندی موفق با تأکید بر ترجیحات سالمندان شهر شیراز*، نشریه سالمندی ایران، شماره ۱۵، صص ۲۲-۳۴.
- جعفری، مسعود؛ زهتابیان، شادی (۱۳۸۵). *خلق و توسعه فضاهای شهری، اولین همایش بین‌المللی شهر برتر*، طرح برتر، سازمان عمران شهرداری همدان، صص ۱-۲.
- چرخچیان، مریم؛ دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۸). *بررسی مؤلفه‌های طراحی فضاهای عمومی پاسخگو*، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۳۰، صص ۵۳-۸۵.
- حسام، فرحناز (۱۳۸۰). *حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر*، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۰، صص ۱۶-۳۰.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۶). *فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی*، نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۸.
- رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، زهرا (۱۳۸۸). *بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری*، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۳، صص ۲۲۷-۲۴۸.
- رفیعیان، مجتبی؛ عظیمی، مریم؛ مقدم، حامد (۱۳۹۰). *ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی و وزنی (نمونه موردی: شهر قدیم لار)*، نشریه آمایش محیط، شماره ۱۶، صص ۳۳-۴۹.
- رهنمایی، محمد تقی؛ اشرفی، یوسف (۱۳۸۶). *فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی*، نشریه انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۲۳-۴۵.
- صالحی، حسین (۱۳۸۰). *وظایف شهرداری‌ها در توسعه فضاهای عمومی*، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۰، صص ۲۱-۲۵.

- فلاحی، محمدصادقہ کلامی، مریم (۱۳۸۷). تأثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت‌گذران اوقات فراغت شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۲، صص ۸۵-۹۸.
- قاسمی، مروارید (۱۳۸۳). میدان شهری، حیاطی شهری برای حیات شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۷، صص ۲۱-۲۷.
- کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، نشریه هویت شهر، شماره ۶، صص ۹۵-۱۰۶.
- مدیری، اتوسا (۱۳۸۵). جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه پژوهش رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، صص ۱۱-۲۸.
- A report from the Dartmoor National Park, (2011). *Open Space, SpA report from the Dartmoor National Park, Open Space, Sport and Recreation Study*, Available at site: <http://www.dartmoor-npa.gov.uk,1-50>.
- Bell, S., Montarzino, A., & Travlou, P (2006). *Green and Public Space Research: Mapping and Priorities*, open space Research Centre Edinburgh College of Art/ Heriot Watt University: Department for Communities and Local Government, 1-29.
- Beyard, M.D., & O'mara, W.P (2001). *Shopping Center Development Handbook, Developing Retail Entertainment Destination*, Washington D.C, Uli-The Urban Land Institute.
- Carvalho Vieira, M., Sperandei, S., Reis, A., da Silva, C., & Gonçalves, T (2013). *An analysis of the suitability of public spaces to physical activity practice in Rio de Janeiro, Brazil*: Preventive Medicine, 57: 198-200.
- Cassidy, T (1997). *Environmental Psychology*, UK: Psychology Press.
- Gehl, J (1987). *Life Between Buildings: Using Public Space*, Van Nostrand Reinhold.
- Ghorbani, R., Ebrahimpour, A., & Noshad, S (2012). *Motivational Modeling in Developing of Urban Fringe Recreational Places an Approach for Improving the Quality of Life Case Study: Recreational Place of Oun-Ebn-Ali, Tabriz, Iran: The 18th Biennial Conference of International Society for Ecological Modelling*, Procedia Environmental Sciences, 13: 297-306.
- Gifford, R (2002). *Environmental Psychology, Principles And Practice*, Canada: Optimal Books.
- Jacob, M., & Hellstrom, T (2010). *Public-space planning in four Nordic cities: Symbolic values in tension*, Geoforum, 41: 657-665.
- Kaplan, R., Kaplan, S., & Ryan, R (1998). *With People In Mind. Design And Management Of Everyday Nature*, Washington Dc, Island Press.
- Larice, M., & Macdonald, E (2007). *The Urban Design Reader*, Routledge, New York.
- Lerup, L (1972). *Environmental And Behavioral Congruence As A Measure Of Goodness In Public Space: The Case Of Stockholm*, Ekistics, 34: 341-358.
- Lokaitou-Sideris, A., & Banerjee, T (1998). *Urban Design Downtown: Poetics And Politics Of Form*, University Of California Press.
- Lynch, K., & Hack, G (1985). *Site Planning*, Mit, Cambridge Mass.
- Nasar, J L (1994). *Uurban Design Aesthetics the Evaluative Qualities of Building Exteriors*, Environment and Behavior, 26: 37-41.

- Oldenburg, R (1999). *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Community Centers, Beauty Parlors, General Stores, Bars, Hangouts, and how they Get You Through the Day*, Paragon House: New York.
- Stedman, R., Beckley, T., Wallace, S., & Ambard, M (2004). *A Picture And 1000 Words: Using Resident-Employed Photography To Understand Attachment To High Amenity Places*: Journal Of Leisure Research.
- Ulrich, S.R (1986). *Human Responses to Vegetation and Landscapes*, Landscape and Urban Planning, 13: 29-44.
- Van Raaij, W.F (1983). *Shopping Center Evaluation And Patronage In The City Of Rotterdam*, Economic Psychology, 27: 1-23.

Archive of SID

A study of exterior landscaping criteria in the design and construction of urban sports centers

Razavi S M H.¹, Azimi Delarestaghi A.^{2*}

¹Associate Professor, University of Mazandaran, ²M.A Sport Management

Received: 19 September 2013

Accepted: 11 March 2014

Abstract

Objective: In the third millennium, public spaces like the exterior landscape of sport centers have become a place for social and cultural interactions, and recreation activities have attracted the attention of urban designers. The purpose of the present study was to study the factors of exterior landscaping in design and construction of urban sport places and spaces by surveying the attitudes of urbanization faculty members in Iran.

Methodology: The research method was descriptive. Data was collected through field study. Statistical population included all faculty members of governmental universities in the urbanization (urban design specialty) field who were at least assistant professors (N=37). Thirty three faculty members were randomly selected as the sample by Morgan table. The instrument was a researcher made questionnaire. The validity was confirmed, and the reliability was acceptable (Cronbach $\alpha=0.83$). The questionnaires were distributed and collected by online correspondence. For data analysis, descriptive statistical (frequency, minimum, maximum, mean, standard deviation) and inferential statistics (Kolmogorov Smirnov test and one-sample t-test) were used.

Results: Results showed that the dimensions such spatial, social, activity and semantic were identified as significant factors of exterior landscaping influential in the design and construction of urban sports places.

Conclusion: Results of this study showed that although those mentioned views have some aspects in common, considering the importance of the spatial, social, activity and semantic roles of exterior landscaping of sport centers (in the form of public spaces), they should put their emphasis on various approaches such as providing security, sufficient and proper sites, possibility of various activities and creating vitality and vibrancy in those places.

Keywords: Exterior landscaping, Public spaces, Urban design, Sports places.

*E-mail: azimi.adeleh@yahoo.com